



اخبار

ایران در نمایشگاه کتاب فرانکفورت ۲۰۲۳ شرکت نمی کند



معاون امور فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره حضور ایران در هفتادوپنجمین نمایشگاه کتاب فرانکفورت گفت: امسال به دلیل رفتار غیرمستولانه برگزارکنندگان نمایشگاه کتاب فرانکفورت، در این نمایشگاه شرکت نخواهیم کرد. سال گذشته مسئولان نمایشگاه کتاب فرانکفورت، بکجانیه پیشنهاد جابه جایی محل غرفه ایران در این نمایشگاه را دادند و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی جمهوری اسلامی ایران، نپذیرفت و در نمایشگاه شرکت نکرد. امسال نیز به دلیل اینکه مطمئن نبودیم که این رفتار از سوی مسئولان نمایشگاه تکرار خواهد شد یا خیر، در این نمایشگاه شرکت نخواهیم کرد. معاون امور فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره حضور نمایندگان نشر ایران در نمایشگاه‌های بین‌المللی کتاب گفت: امسال طبق تقویم مصوب نمایشگاه‌ها در سطح‌بندی که انجام شده در نمایشگاه‌های مهمی در شرق و مناطق مختلف دنیا شرکت خواهیم کرد و فکر می‌کنم در بیش از ۱۵ نمایشگاه شرکت خواهیم کرد. / **اینا**

خالق «جن‌گیر» درگذشت



ویلیام فریدکین کارگردان برنده اسکار و سازنده فیلم‌های «ارتباط فرانسوی» و «جن‌گیر» که به عنوان یکی از کارگردان‌های تحسین‌برانگیز موج فیلمسازان درخشان دهه ۱۹۷۰ شناخته می‌شد، دوشنبه درگذشت. او ۸۷ سال داشت. همسر وی، شری لنسینگ که تهیه‌کننده سابق و مدیر استودیو بود، اعلام کرد فریدکین بر اثر نارسایی قلبی و ذات‌الریه در خانه خود از دنیا رفت. دیگر فیلم‌های او از جمله جادوگر (۱۹۷۷)، «زندگی و مرگ در لس‌آنجلس» (۱۹۸۵) و «اشکال» (۲۰۰۶) نیز برای تصویربصری استثنایی خود شاخص هستند. وی با تمرکز بر عنصر صدا برای انتقال لایه‌ای زیرزمینی از ترس، رمز و راز و ناهماهنگی، کیفیت تسخیر شده و غم‌انگیزی به آثارش بخشید و آنها را به قلمرو دیگری منتقل کرد و موفق شد حس ترس و پارانوئیا را منتقل کند. / **هایسوود ریپورتر**

آغاز دور جدیدی از فیلم‌ها از امروز



از ۱۸ مردادماه دور جدیدی از اکران فیلم‌ها در سینما آغاز می‌شود و تازه‌ترین ساخته‌های فیلمسازانی همچون کمدی تیریزی و نوید محمودی روی پرده می‌آیند. در بین این فیلم‌ها دو اثر از سینمای کودک و نوجوان راهی اکران می‌شوند تا شاید جای خالی فیلم‌های مناسب برای بچه‌ها در روزهای تابستان کمی پر شود. یکی از این فیلم‌ها «تارگیل ۲» به کارگردانی داوود اطمینی و تهیه‌کنندگی ابراهیم

عامریان است. دیگر فیلم جدید سینماها «دست انداز» آخرین ساخته کمال تیریزی است که به تهیه‌کنندگی محمد آفریده در سال ۱۳۹۸ کلید خورد. «بی‌مادر» به کارگردانی مرتضی فاطمی و تهیه‌کنندگی محمدرضا مصباح و علی اوجی دیگر فیلم جدید سینماست که با شعار «بی‌گناهی کم گناهی نیست» اکران خواهد شد.

فیلم دیگری که از امروز اکران می‌شود، «آخرین تولد» به کارگردانی و نویسندگی نوید محمودی است که دو سال قبل با نام «سقوط کابل» پروانه ساخت گرفته بود. فیلم «ستون ۱۴» ساخته امیرحسین همتی و به تهیه‌کنندگی علیرضا قاسم‌خان هم دیگر فیلم جدید سینماست که رده سنی بالای ۱۵ سال برای آن در نظر گرفته شده است. فیلم دومی که برای کودکان و نوجوانان روی پرده سینماها می‌آید، «در میان صخره‌ها» است که به نویسندگی و کارگردانی مختار عبداللوی و تهیه‌کنندگی محمد احمدی ساخته شده است. / **اینا**

برپایی نمایشگاه نیازمندی‌های اربعین

در حرم امام خمینی (ره)

نمایشگاه نیازمندی‌های اربعین به همت جامعه ایمانی مشعر با حضور تولیدکنندگان حیاتی محصولات مرتبط با اربعین از چهارشنبه ۱۸ مردادماه در حرم مطهر امام خمینی (ره) برپا می‌شود. هرساله موکب‌داران سراسر کشور گروهی می‌آیند تا از تجارب و دانش یکدیگر بهره‌مند شوند، در این راستا نیز نمایشگاه نیازمندی‌های اربعین فرصتی است تا هرآن چیزی را که تهیه نکرده‌اند، تدارک ببینند. در نمایشگاه امسال برخلاف سالیان گذشته تنها تولیدکنندگان حیاتی حضور دارند و مسئولان برگزار برای به دنبال آن هستند تا در آینده این نمایشگاه تبدیل به نمایشگاه تخصصی و جامع نیازمندی‌های اربعین شود. این نمایشگاه از چهارشنبه ۱۸ مردادماه ساعت ۹ صبح در سالن حضرت روح‌الله حرم مطهر امام خمینی (ره) با ۳۰ غرفه شامل موادغذایی، محصولات فرهنگی، پوشاک، بهداشتی، دارویی، فرهنگی و هنری آغاز به کار می‌کند و تا روز جمعه ۲۰ مرداد ساعت ۲۰ ادامه خواهد داشت. / **فارس**

حرف‌وحديث‌ها درباره بازگشت برخی چهره‌ها به صداوسیما، درباره مدیریت این سازمان چه می‌گوید؟

بازگشت سلبریتی‌ها به سیمای ضد سلبریتی

توهین مدیر گروه شبکه سه به مجری برنامه پاورقی خبرساز شد



دروغ‌ست‌کننده‌های تلویزیون (محسن تنبلینده/ایران، بی‌دریغ‌خدا)



بازگرداندن برخی چهره‌ها که رویه‌های رادیکالی را در برهه‌های پرتنش و بحران‌های اجتماعی و فرهنگی در پیش می‌گرفتند حالا این شائبه را ایجاد کرده که مدیران تلویزیون از مواضع پیشین خود عقب نرفته‌اند...

فرهنگی

اراضی نگه دارد و در مدت نسبتاً کوتاهی، تولید و پخش این برنامه متوقف شد. خبرهای جدید اما حاکی از آن است که رضا رشیدپور قرار است با برنامه دیگری به شبکه سوم بازگردد. این درحالی‌ست که به شبکه سوم بازگشته و موضوع آنست که در اتفاقات آبان ماه سال گذشته مورد انتقاد جریان‌های سیاسی هم‌سو با مدیریت جدید تلویزیون بود.

بازگشت مبلغ ازدواج خیلی سخت

محمدرضا گلزار یکی دیگر از افرادی است که نامش این روزها در میان چهره‌های خبرسازی که امکان بازگشت به تلویزیون را دارند، مطرح شده است. او که چندی پیش با مراسم ازدواج پرهزینه و جنجالی‌اش در شبکه‌های اجتماعی موضوع افکار عمومی شده بود، در ابتدای حضور علی فروغی در مقام مدیریت شبکه سوم سیما، از اولین کسانی بود که با سرمایه‌گذاری‌های سنگین این شبکه در ریلپتی‌شوها همراه شد و مسابقه «برنده شو» را روی آنتن برد. اما دیری نپایید که این مسابقه هم با شائبه شرکت دادن مخاطبان در نوعی قمار از آنتن پایین کشیده شد و گلزار از اجرای تلویزیونی مجدداً کناره گرفت.

بازگشت نقی غیرمعمولی در پوشش معمولی

محسن تنبلینده هم که شش فصل از مجموعه تلویزیونی موفق «پایتخت» را سال‌های اخیر روی آنتن برده، نامش در میان همکاران بازگشته به تلویزیون مطرح شده است. اگرچه بدون تردید، فصل هفتم «پایتخت» هنوز می‌تواند مخاطبان نسبتاً زیادی را به تلویزیون بازگرداند اما محسن تنبلینده در برزندگی شخصی‌اش همواره چهره‌های غیرهم‌سو با مواضع مدیریت جدید صداوسیما بوده

و انتظار نمی‌رفت همکاری مجدد او با تلویزیون میسر باشد. او در یکی از آخرین پست‌های اینستاگرامی‌اش ضمن انتشار تصویری از پیوستن بازیگران هالیوودی به اعتصاب‌های کار آمریکا، به گلایه و اعتراض نوشته بود: «اون‌ا چرا؟ ما بازیگرانو خداقافضی اجباری میکنن؛ ما بازیگرانو شغلشونو عوض میکنن؛ ما به دو جین بازیگر ممنوع الکار داریم؛ ما...» و در پست قبلترش در کنار تصویری از بازیگران خانم معترض به حجاب، تصریح کرده بود: «این شتری است که بالاخره در هر خونه‌ای (نمی‌خواهد) می‌خواباند! قابل توجه جماعت همیشه خاموش سینما».

صدای اعتراض از درون شبکه دو به درون شبکه سه

مسأله بازگشت این چهره‌ها به تلویزیون البته موضوعی است که در میان خود اهالی صداوسیما هم محل اختلاف و اعتراض است. محمدرضا شهبازی مجری برنامه «سید خندان» درباره این اخبار در توثیقی موضع‌گیری کرده که اولاً نشان می‌دهد اخبار تا اندازه‌ای صحت دارد و ثانیاً مسأله‌های مورد اختلاف در میان اهالی تلویزیون است. او ضمن انتشار تصویری از اینستاگرام رشیدپور نوشته: «ما اینور پاورقی می‌سازیم، می‌کنیم سلبریتی باید در خدمت رسانه باشه، هماهنگ با سیاست‌های نظام باشه، باید با سلبریتی‌ای که وسط شلوغی‌ها آب به آسیاب دشمن می‌ریخت برخورد بنشه، بعد اونور گلزار و رشیدپور دارن گرم میکنن برگردن روی آنتن. اینور بچه‌ها با بی‌پولی ساختن، فحش خوردن، خانواده‌هاشون اذیت شدن و... اونور هم طرف به سال رفته دوراش روزده، عشق و حالش رو کرده، به ریش نظام خندیده، توی لایو... کلفت بار نظام کرده، حالا

که به‌واسطه دوری‌بودن از آنتن یک کم مخاطبش کم شده، قشنگ میشینه توی هوایما از کیش میاد تهران برنامه‌ای چند ده میلیون می‌گیره و برمی‌گرده. این وسط هم بی‌خیال آرم‌ان و روح‌الله؛ بی‌خیال بدن عجمیان که روی آسفالت خیابان کشیده شد؛ بی‌خیال صدای بی‌رسم علی‌وردی که در لحظات آخر هم داشت رجز می‌خواند. ای دنیا! «رضا رشیدپور هم در پاسخ به این توثیت نوشته: «می‌دونی که صدا و سیما بیش از ۵۰ شبکه تلویزیونی داره. اصلاً فرض کن که من یک روزی برگردم شبکه سه. شما هنوز می‌تونی در بیش از ۴۹ شبکه دیگه توثیت‌های مردم رو بخونی و خندان باشی. نگران نباش.» محمدرضا نجارزاده، مدیر گروه اجتماعی شبکه سوم سیما هم در توثیتی که بعداً آن را به دلیل عبارات زشت و توهین‌آمیز حذف کرد خطاب به شهبازی به اعتراض نوشته بود: «امروز نظرسنجی برنامه فاخرت اومد، مخاطب ۵۰ درصد! معلی ۳۷ درصد، محفل قرآنی، ۴ برابر شما، اعجوبه‌ها تا ۳۰ درصد روز، خودمونی رجبی ۱۹ درصد روزده! به چی می‌نازید؟ به سیاه کردن چهره جلیلی و جلیلی با اشتباهات‌تون؟ یا بی‌مخاطب کردن شبکه‌تون؟»

جدال دو جریان ناسازگار مدیریت سیما بر سر چالش ریزش مخاطب

هرچند که عدد اعلام شده برای برنامه‌های نظیر «سید خندان» از سوی مدیرگروه یک شبکه دیگر خود اقدامی عجیب است اما به نظر می‌رسد بحران کاهش تعداد مخاطبان، ناشی از عوامل بیرونی و درونی صداوسیما، دامن همه برنامه‌های تلویزیونی را گرفته باشد و شبکه ۲ هم از این قاعده مستثنی نیست. نتایج نظرسنجی‌های خردادماه امسال نشان



شما از چند نفر عکسی سراغ دارید که این‌گونه در گوش امام نجوا کنند؟ چند نفر بوده‌اند که غصه پیر شدن آنها را خورده باشد و در جمع از این حس خود بگویند: زندانی سیاسی‌ای که ده سال عمرش را اینجا گذرانده و آن وقت جوان بوده حالا پیر شده است...

ویک تنه تحمل سختی‌ها و مشکلات زندگی را با وظیفه سنگین تربیت اولاد درآمیزند... راستی اگر فی‌المثل خانم عراقی با داشتن امیر و نادر و حسام که این‌آخری سه ساله بوده که پدرش به زندان رفته و ۱۴ سال از سرپرستی و اداره خانه و تربیت پدر جدا مانده آن‌ها مستقامت لازم را نمی‌داشت که به وظیفه مشکل‌آواره خانه و تربیت فرزندان همت گمارد، آیا می‌توانست بدون دغدغه اداره زن و بچه، ۱۴ سال آژگرد در زندان در برابر انواع و اقسام مشکلات سینه سپر کند؟... ما جوان‌های برومند پرستقامت زیادی داشتیم که تقریباً همین مدت را در زندان سپری کردند... اما اینها هیچ‌کدام مسئولیت اداره زن و بچه را نداشتند... ما نه تنها از خانم عراقی که از خانم‌های هم‌زمان آن شهید هم باید یاد کنیم که شوهرانشان را در وظیفه خطیر مبارزه با رژیم شاه یاری می‌رسانند اما چرا نکویم که من هیچ‌کدام را در حد شهید عراقی از همسرانشان راضی نیافتم... راضی بودند اما نه مثل او... حالا این رضایت تام و تمام مربوط به عراقی می‌شد یا همسرش یا هر دو... آنها که نزدیک‌ترند بهترین می‌دانند... اجازه بدهید رشته سخن را به دست نادر عراقی بدهم که درباره پدرش صحبت کند... نادر می‌گوید: پدرم با بچه‌هایش رفیق بود با خانمش رفیق بود. او و خانمش فقط زن و شوهر نبودند، عاشق هم بودند. مادر رضایش رضای شوهرش بود. پدرم به مادرم می‌گفت: زن! چرا جوانیت را گذاشته‌ای به پای من؟ مادرم می‌گفت من با این بچه‌ها دلم خوشه و زندگی می‌کنم. فرهنگ این زن و شوهر فرهنگ ایثار نسبت به خودشان و نسبت به بچه‌ها بود. مادر ما را برمی‌داشت و توی آن هوای گرم به برآزجان می‌برد به ملاقات پدرمان... ما مدیون پدرمان هستیم... ما مدیون مادرمان هستیم... ما مدیون هر دو هستیم...

می‌گفت خانم عصمت ایجاد می‌کرد که حتی در روزهای پرفرازونشیب زندان در تبعید، آن روزهایی که به زحمت در هوای گرم به برآزجان رفت تا همسرش را در زندان ببیند هم اهل گله نبود. نه اینکه چون جبر زمانه است راضی باشد؛ خودش این مسیر را انتخاب کرده بود. یاد هست وقتی گفت ازدواج آنها در روزهای اوج فعالیتان اسلام بوده، از او پرسیدم هنگام خواستگاری از فعالیت‌هایش خیر داشتید؟ گفت: «ایشان به من گفته بودند و من هم خودم قبول کردم. راستش را بخواهید، همه با ایشان مخالف بودند از جمله پدر و مادرش و خواهرانش، اما پدر من چون مبارز بود و شجاع و تترس، ایشان را دوست داشت و با اینکه از نظر طبقاتی با هم فرق داشتیم، اما تا از من خواستگاری کرد، پدرم موافقت کردند و گفتند اگر دختر راضی باشد، من حرفی ندارم.» همچنان شوهرش را با عظمت یاد می‌کرد: «من فکر نمی‌کنم اصلاً دومی داشته باشد» رفتارش خیر از آن می‌داد که او را زنده می‌انگارد. دریغ که تاریخ نگاران انقلاب اسلامی، کمتر به سراغ این گنجینه اسرار حاج مهدی عراقی رفتند و فرصت از دست رفت.

وقتی محمد جواد حتجی کرمانی، به عنوان فردی که سال‌ها در زندان با حاج مهدی عراقی زندگی کرده بود، در دهمین سالگرد شهادتش قصد داشت در رثای او متنی بنویسد؛ با ماجرای صبر همسر حاج مهدی شروع کرده بود. مرور بر نوشته آن روزگار او که به زمان حادثه بسیار نزدیک‌تر بود؛ شاید بهتر حق این زن را داد کند و نشان دهد چرا رهبر معظم انقلاب اسلامی چندی قبل فرمودند: «همسران شهدا در درجه اول چهار اکبرند...» «... من مثل شهید عراقی و آنها‌ی دیگری نبودم که همسرشان ۱۴ سال را در انتظار شوهر زندانی بسر برند و خم به ابرو نیاورند

در سوگ درگذشت مهجورانه همسر شهید حاج مهدی عراقی

او هم دومی نداشت

فرهنگی

محمد مهدی اسلامی

خبر درگذشت همسر شهید عراقی، مرا منتقل کرد به تابستان ۱۵ سال قبل؛ حدود سی سال از شهادت حاج مهدی عراقی گذشته بود که برای ثبت تاریخ شفاهی همسرش، در خانه او را زدیدم. بی‌تکلف و با روی گشاده پذیرفت؛ هرچند همراه با این پذیرش گله‌ای نیز از مهجور ماندن حاج مهدی در سی سال پس از شهادتش داشت. حق هم داشت؛ مگر چند نفر در تاریخ انقلاب اسلامی بوده‌اند که امام در تشییع جنازه آنها شرکت کرده باشد و باز در شب اول نیز بر مزارش حاضر شود. من که در دوره رهبری ایشان صدقایی سراغ ندارم. مگر چند نفر بوده‌اند که طبق نقل حاج آقا مصطفی، امام هر روز برای آنها چند باره دعا کند و حاضر نباشد گرمای نجف را به مقصد کوفه ترک کند که «بیاران من در سختی زندان هستند، من به دنبال آسایش بروم؟»

اصلاً شما از چند نفر عکسی سراغ دارید که این‌گونه در گوش امام نجوا کنند؟ چند نفر بوده‌اند که غصه پیر شدن آنها را خورده باشد و در جمع از این حس خود بگویند: «زندانی سیاسی‌ای که ده سال عمرش را اینجا [در زندان] گذرانده و آن وقت جوان بوده حالا پیر شده است [...]. ده سال، پانزده سال، کمتر، بیشتر... من



سایت ریاست جمهوری

یکی از همین جوان‌هایی که الان در اینجا است و سابقاً، من سابقه دارم یا او آن وقت وقتی دست مرا می‌گرفت، دست من توی دست او غرق می‌شد؛ یک قوه‌ای داشت که من دستم که توی دستش

می‌رفت می‌فهمیدم که چه جور قوه‌ای است، حالا وقتی با من مصافحه می‌کند یک آدم ضعیفی هست.» (نوفل لوشاتو، دوم آذر ۱۳۵۷) اصلاً امام در رثای چند نفر آنها را برادر خود خطاب کرده بود؟ راست